

## A Critique on the Book *Household Economics*

Leila Sadat Zafaranchi\*

### Abstract

From long ago, economics has considered the family issue, but the science of "family economics" in the current economic literature is a serious new branch. Studies show the limited and a few attentions of Iranian researchers to this economic branch. The book "*Household Economics*" is one of the few works that has tried to provide basic explanations of common concepts in family economics, in order to provide an introduction to access to richer fields based on religious and national concepts. This article, respecting this valuable target and understanding the need for such rich writings in this field, has tried to review the book "*Household Economics*". The article is organized in five sections and meanwhile introducing the book briefly, some formal objections and writing principles are pointed out. In the content criticism, the following issues are mentioned: Lack of the necessary comprehensiveness of the work based on the theoretical literature, ignoring the main target society of the book by the authors as well as the indiscriminate use of multiple sources and translations. In general, the book lacks the power of effective analysis and presentation of the specific offer. Since the purpose of reviewing this book in this article is to evaluate the book's competence for its educational status in interdisciplinary studies, the present book seems to be far from achieving this goal.

**Keywords:** Household Economy, Historical Background, Unitary Model (UM), Collective Model (CM).

---

\* Assistant Professor in Economics, The Institute of Humanities and Cultural Studies, Iran, Tehran,  
Lszafaranchi@gmail.com

Date received: 02/11/2020, Date of acceptance: 09/05/2021



Copyright © 2018, This is an Open Access article. This work is licensed under the Creative Commons Attribution 4.0 International License. To view a copy of this license, visit <http://creativecommons.org/licenses/by/4.0/> or send a letter to Creative Commons, PO Box 1866, Mountain View, CA 94042, USA.



## نقدی بر کتاب اقتصاد خانوار

لیلاسادات زعفرانچی\*

### چکیده

توجه به خانواده در علم اقتصاد دیرینه است، اما گرایش «اقتصاد خانواده» در ادبیات رایج اقتصادی شاخه‌ای جدی و جدید به‌شمار می‌رود. بررسی‌ها نمایان‌گر توجه محدود و معدود محققان ایرانی به این گرایش اقتصادی است. کتاب *اقتصاد خانوار* از معدود آثاری است که کوشیده تا با تبیین اولیه‌ای از مفاهیم رایج در «اقتصاد خانواده» مقدمه‌ای را برای دست‌رسی به زمینه‌هایی غنی‌تر و مبتنی بر مفاهیم دینی و ملی فراهم کند. در مقاله حاضر، ضمن احترام به این هدفِ پرارزش و درک نیاز به مکتوبات غنی در این زمینه، تلاش شده است تا کتاب *اقتصاد خانوار* مورد نقد قرار گیرد. مقاله در پنج بخش تدوین شده و ضمن معرفی اجمالی کتاب، به برخی ایرادهای نگارشی اشاره شده است. نقد محتوایی کتاب حاضر بر فقدان جامعیت لازم اثر براساس ادبیات نظری، عدم هدف‌گذاری مخاطبان اصلی کتاب توسط مؤلفان، و نیز استفاده بدون ضابطه از منابع متعدد و ترجمه شده وارد است. در مجموع کتاب فاقد نقد مؤثر و ارائه پیش‌نهاد مشخص در هر فصل است. از آن‌جاکه یکی از اهداف بررسی این اثر در این مقاله ارزیابی صلاحیت جایگاه آموزشی کتاب در مطالعات بین‌رشته‌ای است، به نظر می‌رسد که کتاب حاضر تا دست‌رسی به این مطلوب فاصله دارد.

**کلیدواژه‌ها:** اقتصاد خانوار، پیشینه تاریخی، الگوی واحد (UM)، الگوی جمعی (CM).

\* استادیار اقتصاد، عضو هیئت‌علمی پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی، تهران، ایران

Lszafaranchi@gmail.com

تاریخ دریافت: ۱۳۹۹/۰۸/۱۲، تاریخ پذیرش: ۱۴۰۰/۰۲/۱۹



## ۱. مقدمه

فلسفه وجودی خانواده به طبیعت بازمی‌گردد. شاید بر همین اساس است که بسیاری از ویژگی‌های خانواده در طول تاریخ پابرجا باقی مانده است. ارسطو (Aristotle) معتقد بود که اصولاً باید واحدی از افراد وجود داشته باشد که نمی‌تواند بدون یک دیگر زیست کنند (یعنی زن و مرد)، تا نسل بقا یابد و این واحد به منظور دسترسی به یک هدف تعمدی نیست، بلکه شاید بیش از همه به علت تداوم نسل بشر و جای‌گذاری تصویری از خود باقی مانده است (ارسطو ۱۳۴۹: ۳). توجه اولیه به خانواده از نظر اقتصادی دیرپاست و به پیش‌گامان اقتصادی از جمله آدام اسمیت (Adam Smith) می‌رسد. اسمیت در کتاب ثروت ملل (*The Wealth of Nations*)، ذیل فصل دست‌مزد، به اهمیت خانواده اشاره می‌کند:

یک مرد همیشه باید با کارش زندگی کند و دست‌مزدش حداقل برای تأمین وی کافی باشد، حتی در مواقعی بیش از این حد باشد، چراکه در غیر این صورت ایجاد خانواده و بقای نسل برای چنین نیروی کاری نمی‌تواند فراتر از نسل قبل ادامه یابد (ابراهیم‌زاده ۱۳۵۷: ۵۹).

در ادامه اندیشه‌ورزی اقتصادی در حوزه خانواده، در ابتدا تمرکز بیش‌تر بر جنبه‌های جمعیتی و کنترل زادوولد بود (Cantillon 1730; Smith 1776; Malthus 1798). برونینگ و دیگران (Browning et al. 2014) معتقدند که در این سیر تاریخی اقتصاددانان بعدی، از جمله میل (Mill 1848) و له‌پلای (Le play 1855)، توجه بیش‌تری به تأثیر خانواده در استاندارد زندگی اعضا و توزیع مجدد منابع در خانوار داشته‌اند. مسئله مهم در آن مقطع تاریخی توجه به تخصیص ارث بود که می‌توانست انگیزه مهمی در اقتصاد قلمداد شود. در قرن نوزدهم و بیستم، جهان شاهد تحولات گسترده و عمیقی در خانواده و تغییر نقش اعضای این واحد کوچک اجتماعی بود. تغییرات تکنولوژی، ارتقای سطح دانش بشر، بهبود وضعیت سلامت و بهداشت، و بسیاری دیگر از تغییرات زیست‌انسانی خانواده را دچار تحولات بنیادین کرد. تغییر در نرخ ازدواج، افزایش سن ازدواج، تحولات باروری به سمت کاهش نرخ زادوولد، و افزایش پرشمار زنان متأهل در بازار کار به هم‌راه تغییر در سبک زندگی الگوی سنتی خانواده را در جهان تغییر داد (Greenwood 2019). در همین جهت، اقتصاد در دهه ۱۹۶۰ شاهد زایش گرایش مهمی تحت عنوان «اقتصاد خانواده جدید» (new home economic) و توسعه شاخه‌های آن شد.

گرچه سامونلسون (Samuelson 1956) با فرض اجماع خانواده در بحث منحنی‌های بی‌تفاوتی قبلاً به این حوزه ورود کرده بود، به‌ادعان اکثر تحلیل‌گران، مکتب اقتصاد خانواده

جدید توسط گری بکر (Gary Becker) و ژاکوب مینسر (Jacob Mincer) پایه‌گذاری شد. متخصصان حوزه اقتصاد و خانواده معتقدند که کار افسانه‌ای بکر و مینسر (۱۹۵۸-۱۹۷۰)، در پژوهش‌های انجام شده در دانشگاه کلمبیا، بنیان‌های اولیه علم اقتصاد خانواده را پایه‌گذاری کرد و تا قبل از آن خانواده و اعضای آن در اقتصاد تحلیلی در سایه بودند (Browning et al. 2014: 4). به نظر می‌رسد که خاستگاه اصلی نظریه‌پردازی اقتصاد خانوار جهان صنعتی و توسعه‌یافته است، اما بررسی‌ها نشان می‌دهند که اهتمام محافل علمی در جهان به این شاخه پرارزش اقتصادی درخور توجه است و حال آن‌که توجه محققان ایرانی به این ادبیات پراهمیت کم‌رنگ و گاهی کم‌عمق است. تألیف کتاب *اقتصاد خانوار* را می‌توان اقدامی جسورانه و نقطه عطفی در اهتمام متفکران اقتصادی به این عرصه در ابعاد ملی محسوب کرد. اهتمام نویسندگان به این امر، که اثر حاضر می‌تواند تنها مقدمه‌ای بر گستره ادبیات «اقتصاد خانواده» به شمار رود و نمی‌توان آن را تبیین‌کننده کل این عرصه دانست، وسعت بحث و تنوع موضوعی حوزه مطالعاتی را نشان می‌دهد. هدف قابل تقدیر نویسندگان در ارائه فضای مقدماتی «اقتصاد خانواده»، که از جنبه ملی فقر مطالعاتی دارد و نیز ایجاد بسترسازی جهت ورود به حوزه‌های تکمیلی آن مبتنی بر بایسته‌های دینی و ملی است، امتیاز ارزنده این اثر به شمار می‌رود. ازسویی افزایش کمی و نیازمندی درخور توجه پژوهش‌ها و رشته‌های آموزشی دانشگاهی با مضامین بین‌رشته‌ای نیز بر ضرورت ارائه مفاهیم پایه و اولیه «اقتصاد خانواده» افزوده و ضرورت تدوین مکتوباتی درخور در ابعاد ملی در این زمینه دانشی قابل توجه است. بی‌شک با توجه به اهمیت خانواده در نظام جمهوری اسلامی ایران، از جمله توجه مستقیم *قانون اساسی* کشور به آن (اصل ۱۰، ۲۰، و ۲۱)، تبیین درست نظریه‌های موجود و استخراج مؤلفه‌های هم‌سو با ارزش‌های ملی و دینی از آن در کشور الزامی است. مقاله پیش‌رو تلاش می‌کند تا، ضمن احترام و التزام به ارزش‌مندی کتاب *اقتصاد خانوار* در جهت هدف مؤلفان محترم، با ارزیابی اثر حاضر دست‌رسی به بسترسازی مناسبی با هدف بنیان‌گذاری نظریه‌پردازی اقتصادی خانوار را با تمرکز بر خصوصیات ملی هموار سازد.

## ۲. معرفی کلی اثر

### ۱.۲ معرفی اجمالی اثر و نویسندگان

کتاب *اقتصاد خانوار* در چاپ اول در هزار نسخه و در سال ۱۳۹۶ توسط انتشارات دانشگاه امام صادق (ع) و در ۲۹۰ صفحه با قیمت ۱۵۰ هزار ریال به بازار عرضه شده است. هدف

از نگارش کتاب براساس آنچه مؤلفان در پیش‌گفتار (استاجی و نوروزی ۱۳۹۶: ۱۷) آورده‌اند، مقدمه‌ای بر اقتصاد خانوار در محدوده اقتصاد ایرانی و اقتصاد اسلامی بوده است. علی‌استاجی و خلیل‌نوروزی مؤلفان محترم کتاب‌اند. هردو از فارغ‌التحصیلان دانشگاه امام صادق (ع) در مقطع کارشناسی ارشد هستند و استاجی دانش‌آموخته اقتصاد در مقطع دکترا و دکتر نوروزی دانش‌آموخته سیاست‌گذاری علم و فناوری در مقطع دکتراست و هردو از دانشگاه تهران فارغ‌التحصیل شده‌اند. علاوه بر این اثر، کتاب *روند‌پژوهی و سیاست‌پژوهی مطالعات علم اقتصاد در ایران* از آثار مشترک منتشرشده آن‌ها در سال ۱۳۹۷ است. دکتر استاجی پایان‌نامه‌ای مرتبط با «اقتصاد خانواده» در مقطع کارشناسی ارشد به راه‌نمایی دکتر عادل پیغامی در رشته تحصیلی معارف اسلامی و اقتصاد دارد، اما سایر مقالات ایشان بیش‌تر ناظر بر ابعاد فناوری و اقتصاد است. دکتر خلیل‌نوروزی بیش از نوزده مقاله علمی در دسترس از طریق پایگاه مجلات تخصصی دارد که مروری بر عناوین آن‌ها نشان می‌دهد که محوریت تحقیقاتی در مقالات ناظر بر اقتصاد خانوار نیست. در ابتدای اثر یادداشتی از دکتر عادل پیغامی، دانش‌آموخته حوزه و دانشگاه و عضو هیئت‌علمی دانشگاه امام صادق (ع)، با عنوان «درآمدی بر ادبیات اقتصاد خانوار و تبیین گسترده بحث ادبیات اقتصاد خانواده» آمده است. بررسی مطالعات و فعالیت‌های پژوهشی دکتر پیغامی نشان از علاقه‌مندی و توجه او به حوزه اقتصاد خانوار و موضوع‌شناسی در محورهای اصلی این شاخه از علم اقتصاد دارد.

## ۲.۲ ساختار اثر

قبل از ورود اثر به فصول اصلی، بخش مقدماتی کتاب حاوی فهرست مطالب، سخن‌ناشر، پیش‌گفتار، مقدمه‌ای از دکتر عادل پیغامی، و مقدمه مؤلفان است. اثر مشتمل بر هفت فصل اصلی است و هر فصل در ابتدا با بخش کلیات آغاز می‌شود و در انتها با جمع‌بندی خاتمه می‌یابد. در فصل اول با عنوان «تخصیص‌های درون‌خانواری منابع»، ابتدا تخصیص منابع خانوار در حوزه مصرف در دو زیرفصل «سب و بردار مصرفی خانواده» و «تخصیص منابع بین خانوار در مصارف، مخارج، و سرمایه‌گذاری» تحلیل شده است. در ادامه فصل اول، «سازمان‌دهی اقتصادی خانواده» در زیربخش‌های نظام تصمیم‌گیری در سازمان خانواده، هزینه فرصت، و حوزه تولید در خانواده تبیین شده است.

در فصل دوم، با عنوان «تخصیص‌های بیناخواناری»، به دو الگوی اصلی «رویکرد نوع‌دوستی» و «رویکرد هزینه معامله» و در ذیل هریک به تقسیم‌بندی موضوعی پرداخته شده است.

فصل سوم کتاب، با عنوان «اقتصاد خانواده در افق بین زمانی و بین نسلی»، به ارتباط نسل‌ها در حوزه اقتصاد خانوار و تعامل آنان در بازه زمانی زندگی و پس از فوت اشاره دارد. در این فصل چهار زیرعنوان پس‌انداز، انتقال‌های درون‌خانواری: علل و ریشه‌ها، صندوق بازنشستگی، و تحلیل شکاف‌های بین نسلی مورد بررسی قرار گرفته است.

کتاب در فصل چهارم، با عنوان «اقتصاد بخش عمومی و خانواده»، مباحث مرتبط با برقراری اصل کارایی پرتو در خانوار و رویکردهای سستی و مدرن به چرخه‌های زندگی را در بر می‌گیرد. در بخش دیگر این فصل با تمرکز بر اقتصاد و رفاه خانوار حوزه مالیات‌ستانی، اعطای یارانه به خانوار، منافع اجتماعی، و قیمت‌های سایه‌ای مورد دقت نظر مؤلفان قرار گرفته است.

در فصل پنجم، با عنوان «اقتصاد حمایت از خانواده»، به قانون حمایت از مصرف‌کننده و نیز قوانین کار با زیربخش‌های سیزده‌گانه اشاره شده است و با اقتصاد حمایت از خانواده‌های ویژه و با تمرکز بر زنان سرپرست خانوار پایان می‌یابد.

«اقتصاد میان‌سالی و کهن‌سالی» در فصل ششم مورد توجه قرار گرفته است. کاهش سهم کهن‌سالان در بازار کار و عوامل آن، افزایش سطح ثروت در دوران کهن‌سالی، تغییر الگوی مصرف و افزایش پس‌انداز، و در نهایت تأثیر قابل توجه پرداخت‌های سازمان تأمین اجتماعی بر اساس تجارب کشور آمریکا در سال ۱۹۹۷ از موارد مطرح در این فصل است. فصل پایانی کتاب، با عنوان «اقتصاد ازدواج و تشکیل زندگی مشترک»، به تحلیل‌های اقتصادی موجود در مورد ازدواج، طلاق، و نیز مباحث زادوولد پرداخته است و سیاست‌های جمعیتی در کشورهای منتخب محور پایانی این فصل را تشکیل می‌دهند.

### ۳. نقد شکلی اثر

#### ۱.۳ جامعیت صوری

از آن‌جاکه یکی از اهداف نقد ویژه کتاب از طرف ناقد بررسی و ارزیابی صلاحیت کتاب به‌عنوان مرجعی آموزشی به‌منظور بهره‌برداری در آموزش‌هایی بین‌رشته‌ای، از جمله رشته مطالعات زنان و خانواده، است، در مقاله حاضر به مؤلفه‌های چهارده‌گانه جامعیت صوری

اثر پرداخته می‌شود که به صورت خاص از کتب درسی انتظار می‌رود. کتاب آراستگی ظاهری و مرتبط با رویکردی علمی در حوزه اقتصاد خانوار را دارد. پس از فهرست مطالب فهرست جداول و شکل‌های متنی آمده است و پس از بیان سخن ناشر پیش‌گفتار ذکر شده است. پیش از مقدمه مؤلفان، اثر به مقدمه‌ای از دکتر عادل پیغامی آراسته شده که در شناسه افزوده کتاب نیز تحت عنوان مقدمه‌نویس ذکر شده است. فصول هفت‌گانه کتاب هر یک با کلیات آغاز می‌شود، با جمع‌بندی خاتمه می‌یابد، و با جمع‌بندی نهایی، منابع، و نمایه پایان یافته است. آنچه درخور تأمل است اختصاص حجم بالایی از مباحث مقدماتی (حدود ۴۵ صفحه از ۲۹۰ صفحه کتاب) پیش از ورود به فصول اصلی است. هر فصل دارای تقسیم‌بندی جزئی است که معمولاً باعث گسست بی‌درپی مطالب شده است. فصول با جمع‌بندی نهایی به‌تمام می‌رسد، اما هر فصل نتیجه‌گیری، پیش‌نهادهای مشخص، و منابع مستقل ندارد. کتاب از منظر کیفیت چاپ و وجوه فنی درخور تقدیر است. طرح روی جلد، حروف‌نگاری، صفحه‌آرایی، و قطع اثر چنان است که از نشری دانشگاهی انتظار می‌رود.

### ۲.۳ نگارش و ویرایش اثر

اگرچه کتاب چندان دارای غلط چاپی و املائی نیست، از مهم‌ترین مشکلات نگارشی آن تکرار برخی مطالب و پاراگراف‌ها در صفحات مختلف است که البته تکرار عبارات در فصول ابتدایی کتاب بیش‌تر مشاهده می‌شود. برای مثال، عبارت «بهرمن در "مدل ثروت" خود معتقد است که بهترین سرمایه‌گذاری برای فرزندان... مبادرت می‌کند» (استاجی و نوروزی ۱۳۹۶: ۵، ۷)؛ عبارت «نوع دوستی، اختلاف و تضاد در هر خانواده وجود دارد و نمی‌توان تنها با نگاه تصمیم‌گیری واحد به خانواده نظر کرد» (همان: ۵۶، ۵۷)؛ عبارت «در نتیجه در دهه ۱۹۹۰ مدل جدیدی به نام مدل جمعی در تصمیم‌گیری مطرح شد» (همان: ۵۶، ۵۷)؛ عبارت «در این نظریه خانواده دارای دو عضو، نیکوکار و گیرنده است. گیرنده کاملاً خودخواه بوده و... به گیرنده افزایش دهد» (همان: ۵۲، ۵۸)؛ عبارت «در ثروت، والدین برای حداکثر کردن بازگشت سرمایه... این‌گونه مدل‌ها اهمیت برابری نام گرفته است» (همان: ۵۰، ۷۰)؛ عبارت «در این صورت هرگاه میزان دست‌مزد واقعی در بازار کاهش یابد،... زمان کم‌تری برای مصرف تلف خواهد شد» (همان: ۷۹، ۸۰، ۸۱، ۸۲).

علاوه بر این، در زمینه قواعد نگارشی برخی از جملات نامفهوم است. برای مثال، عبارت «علاوه بر دولت‌ها، افراد تأمین‌کننده درآمد خانواده چه مادر باشد چه پدر،... و از این گذر



نه تنها به کمک مالی فرزندان کم تجربه و پس انداز خود نیاز نداشته باشد، بلکه در مواردی با تأمین نیاز آن‌ها علاوه بر نیاز خانواده دو نفره خود داشته باشد» (همان: ۱۱۷)؛ عبارت «اگرچه سیستم‌های بازنشستگی از سال‌ها پیش در کشورها وجود داشته و به زمان خاصی منحصر نکرده‌اند اما... که باید به زمان خاصی منحصر نشده‌اند تبدیل شود» (همان: ۱۱۹)؛ عبارت «برای نزدیک شدن به میزان بهینه مالیات، دو دسته نظریه مالیات خطی و غیرخطی که ابتدا به ترتیب توسط... ارائه و مدل‌سازی شد، که در آن‌ها مطلوبیت فرد را با توجه به نوع تخصیص بهینه زمان توسط وی میان کار و استراحت (که از دست‌مزد خالص او نشأت می‌گیرد) به دست می‌آوریم» (همان: ۱۹۱)؛ عبارت «زوج‌ها در زمان مصرف و یا پس‌انداز امید به زندگی را از امید به زندگی هر دو نفر در نظر می‌گیرند و...» (همان: ۱۹۲).

نامفهوم بودن برخی از جملات می‌تواند به دلیل استفاده متنوع و بیش از حد از منابع لاتین (بیش از ۳۵۰ منبع) باشد. آوردن مطالب از منابعی بریده‌بریده که لزوماً به نتیجه‌گیری و پیش‌نهاد محتوایی نیز منتهی نشده است، ضمن پرابهام شدن تألیف، به سردرگمی مخاطب منجر می‌شود. تنوع ترجمه متون باعث شده است که انسجام و نظم منطقی موردانتظار در زیربخش‌های فصول کم‌تر حاصل شود و انبوهی از اطلاعات فاقد طبقه‌بندی ساختاری و محتوایی و البته نه موضوعی به خواننده منتقل شود.

#### ۴. نقد محتوایی اثر

##### ۱.۴ انسجام و نظم منطقی

یکی از الزامات فصل‌بندی مناسب ضرورت توجه به پیشینه تاریخی و تکوینی ادبیات نظری موضوع مطالعه است. این رویکرد به منظور تقسیم‌بندی فصول براساس ادبیات رایج هم‌چون تقدم و تأخر تاریخی نظریه‌پردازی، اولویت‌بندی براساس حوزه‌های خرد و کلان، و سایر تقسیم‌بندی‌های متداول ضروری است.<sup>۱</sup> از آن‌جاکه کتاب حاضر از پیشینه نظریات مطرح در حوزه اقتصاد خانوار بی‌بهره است، ساختار منسجمی در زمینه تقدم و تأخر عناوین فصل‌ها در آن دیده نمی‌شود. از سوی دیگر، منطق تقسیم‌بندی دیگری نیز برای طبقه‌بندی فصول هفت‌گانه، از جمله سیر تشکیل خانوار (ازدواج و...)، در آن به چشم نمی‌خورد. فقدان رویکرد بر پیشینه باعث شده است که فصل هفتم اثر، که به «اقتصاد ازدواج و تشکیل خانواده» اشاره دارد و می‌تواند هم به لحاظ سیر تاریخی و هم به علت آغازی به ادبیات موضوعی اقتصاد خانوار به عنوان فصلی ابتدایی و مقدماتی در نظر گرفته

شود، به فصل‌نهایی اختصاص یابد.<sup>۲</sup> لذا به نظر می‌رسد که اختصاص فصل اول به تئوری ازدواج<sup>۳</sup> (theory of marriage) در ورود به مباحثی چون چگونگی فضای تصمیم‌گیری درون‌خانوار، سازمان خانوار، و سایر حوزه‌های بعدی مناسب است.

فصل ششم اثر با عنوان «اقتصاد میان‌سالی و کهن‌سالی»، که از ترجمه فصل دوازدهم کتاب جمعیت و اقتصاد خانوار بهره گرفته است (استاجی و نوروزی ۱۳۹۶: ۱۸۰، پاورقی)، بیش از آن‌که در چهارچوب اثری نظری با عنوان اقتصاد خانوار جایگاه داشته باشد، مرتبط با حوزه اقتصاد سال‌مندان (the economics of ageing) است. علاوه‌براین، به دلیل عدم استفاده این فصل ترجمه‌شده از مبانی نظری و اطلاعات روزآمد (اطلاعات تحلیل‌شده مربوط به سال ۱۹۹۷ است) و نیز تمرکز بر اطلاعات ویژه کشور آمریکا با خصوصیات تجربی منحصربه‌فرد، اطلاعات این فصل در ارزیابی شرایط اقتصاد سال‌مندان در سایر جوامع مبنایی مؤثر محسوب نمی‌شود.

در مورد انسجام و نظم منطقی مطالب در درون فصول نیز مواردی قابل‌ذکر است. در فصل اول کتاب با عنوان «حوزه مصرف، خانواده به‌مثابه واحد مصرفی»، زیرفصل دوم با عنوان «سازمان‌دهی اقتصاد خانواده» می‌تواند فراگیرتر از عنوان فصل باشد. از این‌رو، تغییر عنوان فصل اول به «سازمان‌دهی تصمیم‌گیری در خانوار»، که دربرگیرنده ابعاد مصرف و تولید و همچنین نحوه تخصیص زمان به اشتغال و فراغت در خانواده است، پیشنهاد می‌شود. در فصل دوم، با عنوان «تخصیص‌های بین‌خانواری»، دو رویکرد کلی نوع‌دوستی و هزینه-معامله به هفت دسته بسیار جزئی تقسیم شده است، برای مثال، زیرفصل «۱-۷-» با عنوان «به‌هم‌پیوستگی اقتصادی» در صفحه ۹۹ تقریباً فاقد نگارشی مفهومی و محتوایی است.

در فصل سوم، با عنوان «اقتصاد خانواده در افق بین‌زمانی و بین‌نسلی»، پیش‌نهاد می‌شود تا زیرفصل دوم تحت عنوان «انتقال‌های درون‌خانواری»، به‌عنوان «انگیزه‌های ارث‌گذاری» (bequest motives)، که واژه‌ای شناخته‌شده در ادبیات «اقتصاد خانواده» است، تغییر یابد. زیرفصل سوم از فصل سوم، تحت عنوان «صندوق بازنشستگی»، با مفاهیم قبل و بعد سازگار نیست و هماهنگی این بحث با مباحث فصل ششم تحت عنوان «اقتصاد میان‌سالی و کهن‌سالی» بیش‌تر است.

اقتصاد بخش عمومی ناظر بر مطالعه خط‌مشی اقتصادی دولت در برقراری رفاه اقتصادی (از طریق سیاست‌های مالیاتی، پرداخت‌های انتقالی، و...) است که در بخش چهارم کتاب در ارتباط با خانواده در نظر گرفته شده است. بحث ذکرشده در زیرفصل اول از این فصل، تحت عنوان «کارآیی پارتویی در اقتصاد خانواده»، از مباحث جدی و مفروضات اصلی

الگوی جمعی (collective model) در اقتصاد خانوار است (Chiappori et al. 2002)، که ارتباط روشنی با سیاست‌های دولتی و رفاهی ارائه شده در فصل چهارم ندارد. در همین فصل و زیرفصل ششم، تحت عنوان «منافع اجتماعی و قیمت‌های سایه‌ای در اقتصاد خانواده»، نیز ارتباط مفهومی این بحث با سیاست‌های بخش عمومی مشخص نیست، حال آن‌که این ادبیات بسیار مرتبط با نظریه مهم «تولیدات خانوار» (household production) است که می‌توانست به‌عنوان یک فصل یا سرفصل کلی در کتاب در نظر گرفته شود (Pollak and Wachter 1975).

در فصل پنجم، تحت عنوان «اقتصاد حمایت از خانواده»، در بخش قوانین حمایت از مصرف‌کننده، مباحث به‌صورت عمومی ذکر شده است و با عضویت فرد در خانواده ارتباط ندارد، درحالی‌که در بحث مروری بر قوانین کار این دقت نظر در زمینه ارتباط این قوانین با عضویت اعضا در خانوار در نظر گرفته شده است.

## ۲.۴ منابع و ارجاع‌دهی

فهرست منابع کتاب پانزده صفحه از حجم ۲۹۰ صفحه‌ای را به‌خود اختصاص داده که به‌جز ۲۴ منبع فارسی، سایر منابع لاتین است. اگرچه ازدیاد منابع لاتین نشان از زحمت مؤلفان در بررسی منابعی وسیع در حوزه ادبیات پژوهشی دارد، تعدد و تکرار بیش از حد باعث شده است که پیش از آن‌که منابع و ترجمه آن به ساختارمند شدن اثر کمک کند، شاکله اصلی کتاب را تعیین کند. به‌عبارت‌دیگر، مفهوم ادبیات خانواده و نظریات وابسته در دریایی از پاراگراف‌های کوتاه ترجمه شده و ارجاع‌دهی گم شده است. منابع نهایی در بخش پایانی از شیوه ارجاع‌دهی براساس APA (Associations Physiological American) تبعیت می‌کند که امروزه از مرسوم‌ترین شیوه‌های منبع‌دهی در جهان محسوب می‌شود. اگرچه در ارجاع‌دهی نهایی نظم و شیوه ذکر شده رعایت شده، ارجاع‌دهی درون‌متنی هماهنگ با آن نیست. قواعد استناد درون‌متنی به‌روش APA به‌گونه‌ای است که در داخل پراکنش (نام‌خانوادگی نویسنده مقاله یا کتاب، سال انتشار: شماره صفحه) آورده می‌شود. برخی ارجاعات درون‌متنی به نام نویسنده در متن به لاتین و برخی به فارسی اشاره دارد. برای مثال، در صفحه ۵۰ و ۵۱، انواع مختلفی از ارجاعات دیده می‌شود، مانند: «(Becker G. S, 1995)» و در خط دوم از صفحه ۵۱ ارجاع‌دهی: «(Haddad, Lawrence; Hoddinott; John; Alderman, Harold, 1997)» که در اولی به نام کوچک نویسنده به‌اختصار و در دومی به آوردن نام کوچک نویسندگان به‌تمامی اشاره شده است.

### ۳.۴ تحلیل و بررسی اثر

چنان‌که در مقدمه مؤلفان، پیش‌گفتار، و حتی در یادداشت انضمامی کتاب آمده است، هدف و مسئله تحقیق ارائه چهارچوب درستی از منظومه علم «اقتصاد خانواده» است که با تکیه بر آن بتوان الگویی دینی و بومی را پایه‌گذاری کرد. هدف تدوین کتاب توسط نویسندگان با توجه به فقر مطالعاتی موجود در این زمینه در ابعاد ملی ستودنی است، اما در این میان به منظور دسترسی به این هدف مهم و برجسته، کتاب مدنظر به‌عنوان گامی اولیه از جنبه‌های ذیل نیازمند دقت نظر است:

- مهم‌ترین نقد به فقدان تشخیص درستی از مخاطبان اصلی اثر وارد می‌شود. روشن نیست که مخاطبان اثر باید آشنا به مؤلفه‌های ادبیات اقتصادی باشند یا مخاطبانی عام و بدون الزام به آشنایی با مؤلفه‌های پایه اقتصادی مدنظر بوده‌اند. درحقیقت اثر نه آن‌قدر ساده، روان، و بدون وابستگی به بنیان‌ها و ابزارهای «اقتصادی» تألیف شده است که همه‌فهم باشد و نه به‌میزان کافی زمینه‌های تخصصی و لازم تحلیل در اقتصاد را دارد. نتیجه این‌که متن نه ابزار لازم ریاضیاتی موردنیاز اقتصادی را با کاربرد معادلات مرتبط و نه روانی متنی غیرتخصصی را دارد.
- در صفحه ۵۷، انتهای صفحه به مدل سین (Sen 1966) اشاره شده است که نمی‌تواند به‌لحاظ تاریخی زیرمجموعه الگوی جمعی (collective model) عنوان شود. دقت در مطالب ارائه‌شده توسط سین به درک بهتر دلایل مطرح در الگوی واحد (unitary model) اشاره دارد. این اشتباه برداشت در صفحه ۵۸ کتاب نیز تکرار شده است، به‌گونه‌ای که بحث وجود یک دیکتاتور یا خیرخواه به‌علت دسترسی به یک تابع رفاه جمعی در الگوی واحد خانوار مطرح شده است و به الگوی جمعی مرتبط نیست. با توجه به چنین برداشت‌هایی توسط مؤلفان اثر، استنباط می‌شود که درک دقیقی از تفاوت‌های الگوی واحد و الگوی جمعی در ادبیات موجود مورد دقت نظر قرار نگرفته است. نکته حائز اهمیت این‌که مؤلفان پس از نقد و ارزیابی الگوی جمعی برای اولین بار در صفحه ۶۰ به چیاپوری (Chiappori 1988) اشاره کرده‌اند که بنیان‌گذار الگوی جمعی در ادبیات اقتصاد خانوار محسوب می‌شود (Heckman et al. 2018).
- فصل اول در زیرفصل «۲-۲»، با عنوان «هزینه فرصت در خانواده»، به ادبیات نظری شناخته‌شده‌ای در اقتصاد خانواده ناظر است که در ذیل این عنوان به آن پرداخته نشده است. بکر (Becker 1965)، در مبحث مهم هزینه فرصت اعضای

خانوار با ارائه الگوی تخصیص زمان (model of allocation of time)، اولین بار مفاهیم مربوط به تولیدات خانوار را بیان کرد و نشان داد که خانوار براساس یک تقسیم‌بندی عقلایی به تقسیم نقش‌های بازاری و خانگی بین زوجین می‌پردازد (Heckman 2018).

- مؤلفان اثر به تحلیلی منطقی و تاریخی درخصوص حمایت از اشتغال مردان سرپرست خانوار در صفحه ۷۴ مایل بوده‌اند. برای مثال، در پاراگراف انتهایی صفحه آمده است: «به عبارتی دیگر، اشتغال بیش از حد مردان به دلیل نبود مشاغلی که غالباً توسط زنان اشغال شده است، وظایف پدرانه را معلق خواهد کرد». اگرچه طرح علمی این بحث با توجه به گزاره‌های درست آن می‌تواند بر تفکیک مناسب نقش‌های زوجین و تأکیدی بر مسئولیت نان‌آوری مردان در خانوار ناظر باشد، اما در صفحه ۷۷ و پاراگراف سوم، ناگهان نگاهی دیگر و کاملاً متفاوت به موضوع اثر ارائه می‌شود. در این پاراگراف، به استناد پژوهشی اجتماعی (و نه اقتصادی) و براساس پایان‌نامه خانم حبیب‌الله از دانشگاه علامه طباطبایی (ره)، نتیجه‌گیری می‌شود که مردسالاری در جامعه ایران هنوز عامل اصلی توزیع نابرابری نقش‌های خانوادگی و البته بازدارنده از حضور زنان در عرصه‌های اجتماعی-اقتصادی است!

- در مورد مدل‌های چگونگی تقسیم کار درون‌خانواری میان اعضای خانواده در صفحه ۷۶ چنین اشاره شده است: «اول آن‌که سهم هرکدام از همسران با توجه به میزان زمانی است که برای کار منزل اختصاص داده‌اند، هرآنچه برنامه زمانی افراد خانواده برای انجام امور درون‌خانواری بیش‌تر باشد، بیش از دیگران در آن امر کمک خواهند کرد». حال آن‌که بکر (Becker 1965) بیان می‌کند که تخصیص زمان درون‌خانواری بین اعضای خانواده منتج و متأثر از دست‌مزد آستانه‌ای و سطح دست‌مزد پیش‌نهادی هریک از اعضا در بازار کار است (Biddle and Hamermesh 2020). لذا عبارات بالا که اشاره‌ای به داشتن برنامه زمانی بیش‌تر به منظور پرداختن به امور منزل به عنوان اصل تقسیم کار خانگی دارد، برداشت درستی از تفسیر اقتصادی این رویکرد نیست.

- در فصل چهارم اثر، صفحه ۱۳۹ پاراگراف سوم، ذیل عنوان «اقتصاد رفاه خانواده»، مؤلفان به دنبال تبیین نگاه دومی در تحلیل رفاه خانوارند که در این زمینه نگاه اول قبلاً تصریح نشده است.

#### ۴.۴ هماهنگی با مبانی

هدف تصریح‌شده توسط مؤلفان، نگارش کتابی مدون و طبقه‌بندی‌شده در موضوع «اقتصاد خانوار» بوده است که بتواند راه‌گشای دانشجویان و استادانی باشد که قرار است این مسیر را به‌پیش برند (استاجی و نوروزی ۱۳۹۶: ۱۶). در مقدمه کتاب، نویسندگان با طرح این سؤال که «چرا باید این کتاب را خواند؟» اشاره داشته‌اند که اثر سعی دارد مفهوم و گستره موضوعات قابل طرح در اقتصاد خانواده را مطابق با نظریه‌های اقتصادی متعارف ارائه کند تا با پی‌بردن به جایگاه آن در ادبیات اقتصادی، به تکمیل درخت‌واره موضوعات و درنهایت طراحی مدل مفهومی مطلوب در اقتصاد خانواده ایرانی یاری رساند (همان: ۳۹). دسترسی به هدف ذکرشده مبتنی بر ترسیم درست و مطابق با فضای علمی رایج در حوزه «اقتصاد خانواده» است. از این منظر، ناهماهنگی و نیز عدم تسلط بر دامنه موضوعات، ادبیات، و مبانی نظری حوزه مورد مطالعه انتقال مفاهیم اصلی به خواننده را دچار مشکل کرده است. در این زمینه نکاتی درخور یادآوری است:

- از آن‌جاکه سیر تاریخی و پیشینه ادبیات «اقتصاد خانواده» به‌عنوان یکی از مهم‌ترین و ضروری‌ترین فصول لازم مورد توجه مؤلفان محترم قرار نگرفته است، چیدمان کتاب فاصله زیادی با سرفصل‌های رایج در ادبیات «اقتصاد خانواده» دارد.<sup>۴</sup> برای مثال، در انتهای صفحه ۵۲ به الگوها یا مدل‌های همکارانه (cooperative models) اشاره شده است که قبلاً به خواننده معرفی نشده‌اند. اگرچه در صفحه ۵۳ توضیحاتی درمورد الگوهای غیرهمکارانه (non-cooperative models) آمده است، این توضیحات این دو تقسیم‌بندی مهم و کلان در ادبیات «اقتصاد خانواده» را کفایت نمی‌کند. تقسیم‌بندی موضوعات «اقتصاد خانواده» ابتدا براساس الگوهای واحد (unitary model) و الگوهای غیرواحد (non-unitary model) شکل می‌گیرد. الگوهای غیرواحد به الگوهای همکارانه و غیرهمکارانه تقسیم شده است و در ذیل الگوهای همکارانه یکی از محوری‌ترین الگوهای ارائه‌شده «الگوی جمعی» است (Grossbard 2010). این عدم دقت نظر نویسندگان در ساختار نظریه‌های «اقتصاد خانواده» در صفحه ۱۳۱، اولین پاراگراف و در ذیل بند یک با عنوان کارآیی پرتویی در اقتصاد خانواده نیز مشهود است.

- فقدان معرفی هریک از رویکردهای اصلی در زمینه ادبیات «اقتصاد خانواده» سردرگمی در نقد و نتیجه‌گیری را سبب شده است. در اولین پاراگراف صفحه ۵۶

بیان شده است: «از ابتدایی‌ترین نظریات موجود در توضیح چگونگی تأثیر خانواده در اقتصاد، نظریات مشتمل بر نگاه واحد به خانواده بود». در نقد این جمله باید اذعان کرد که اصولاً الگوی واحد با هدف تبیین چگونگی تأثیر خانواده در اقتصاد زاییده نشده است، بلکه به دنبال کشف چگونگی روابط درون خانواری و به عبارتی رمزگشایی از جعبه سیاه تصمیم‌گیری اعضای خانواده به منظور تخصیص منابع (درآمد و زمان) متولد شده است. در الگوی واحد از روش ابزار اقتصاد نئوکلاسیک برای کشف ارتباطات استفاده شده است و خانوار به عنوان یک واحد منحصربه‌فرد حداکثرسازی تابع رفاه جمعی (social welfare function) را با قید محدودیت بودجه کل هدف قرار می‌دهد. در نقد الگوی واحد، معتقدان به الگوهای غیرواحد در یک ویژگی مشترک‌اند: در خانوار هر یک از اعضا ترجیحات مربوط به خود را دارند و ممکن است در خصوص تصمیم‌گیری بهینه در خانوار اختلاف نظر وجود داشته باشد. در این زمینه الگوهای همکارانه و غیرهمکارانه به عنوان دو دسته‌بندی اصلی در بدنه الگوهای غیرواحد با استفاده از تئوری بازی‌ها، ترجیحات مختلف، و نحوه تصمیم‌گیری زوجین در خصوص مصرف و اوقات فراغت را الگوسازی می‌کنند (Chiappori and Mazzocco 2018: 14).

- در انتهای صفحه ۵۶ به نقد الگوی واحد در اقتصاد خانوار اشاره شده است که جامع و کامل نیست. اصلی‌ترین نقد وارد بر الگوی واحد این است که چگونه ترجیحات اعضای خانوار به صورت یک تابع رفاه جمعی تجمیع می‌شود، حال آن‌که اعضای خانوار توابع ترجیحی متفاوت دارند.<sup>۵</sup> اقتصاددانانی که به رویکرد واحد معتقدند، برای تبیین این‌که چگونه ممکن است خانواده به عنوان مجموعه واحد عمل کند، از توضیحات متفاوتی بهره برده‌اند، اما بکر معتقد است که در مجموع دو حالت نوع دوستی (altruism) و دیکتاتوری (dictatorship) در خانوار به پیدایش یک چهارچوب واحد منجر می‌شود (Becker 1974).
- از دیگر اشتباهات کلیدی در ارزیابی ادبیات نظری «اقتصاد خانواده» در اواسط صفحه ۵۳ اشاره به ساموئلسون (Samuelson) در مقام بنیان‌گذار الگوی جمعی است. این در حالی است که ساموئلسون (Samuelson 1956) به وجود یک تابع ترجیحی در خانوار معتقد بوده است و پایه‌گذار مکتب فکری «بکری» در ابداع الگوی واحد به شمار می‌رود (Lundberg and Pollak 1996).

#### ۵.۴ اصطلاحات تخصصی

- مفهوم «خانواده» با «خانوار» متفاوت است. «خانوار» تعدادی از افراد را شامل می‌شود که بودجه مشترک دارند و این واحد می‌تواند افراد غیرخویشاوند را هم شامل شود. براساس تعریف مرکز آمار ایران، «خانوار» از چند نفر تشکیل می‌شود که با هم در یک اقامتگاه زندگی می‌کنند، با یک‌دیگر هم‌خرج‌اند، و معمولاً با هم غذا می‌خورند (سال‌نامه آماری کشور). لذا هر «خانواده‌ای» «خانوار» است، اما هر «خانواری» نمی‌تواند «خانواده» باشد.<sup>۶</sup> نکته افتراقی و اساسی در تفاوت مفهومی «خانوار» و «خانواده» به لزوم وجود شرط خویشاوندی و قید ازدواج در «خانواده» تأکید دارد، به‌گونه‌ای که اساسی‌ترین عنصر در تعریف «خانواده» مبتنی بر وجود گونه‌ای خویشاوندی بین اعضا و ناظر بر قرارداد ازدواج میان زوجین است. باوجود این تفاوت مهم، در ادبیات اقتصادی رایج واژه «اقتصاد خانوار» (household economy) و «اقتصاد خانواده» (family economy) به‌طور جانشین و معمولاً ناظر به مفاهیمی مشترک به کار گرفته می‌شود. در این نگاه، صرفاً مشترک‌بودن اعضا در مکان، هزینه‌های اقامت، تشریک سایر هزینه‌ها، و درآمدها از عوامل برجسته در فقدان تمایز این دو واژه است که در این میان خویشاوندی یا لزوم قرارداد ازدواج به‌طور ذاتی موضوعیت ندارد. منشأ رویکرد ذکرشده در خاستگاه فلسفی و فکری غربی حاکم بر این گرایش اقتصادی است. در فلسفه اقتصادی و مادی رایج، آنچه اصالت دارد، توجه به تخصیص هزینه‌ها و درآمدها در یک واحد و با اعضای دارای محل سکونت یک‌سان و هزینه‌های مشترک است. از این‌رو، چرایی و چگونگی تجمیع‌شدن افراد براساس نظام خویشاوندی یا وجود و ضرورت قرارداد ازدواج، که در واحد «خانواده» اصالت دارد، محل بحث نبوده است. فارغ از بحث لزوم این دقت نظر از طرف علمای اقتصاد، به‌علت اهمیت نهاد «خانواده» و مسائل مرتبط با آن در کشورهای با محتوای فرهنگی و اعتقادی از جمله جمهوری اسلامی ایران دقت کاربرد کلمات و حتی تصمیم به به‌کارگیری هر واژه دقت نظر جدی را طلب می‌کند. در کتاب حاضر، باوجود این که نام اثر به *اقتصاد خانوار* اشاره دارد، در جای‌جای آن و به‌خصوص در عناوین فصول اصلی، نویسندگان محترم از واژه «اقتصاد خانواده» استفاده کرده‌اند. پیش‌نهاد می‌شود که با توجه به اهمیت استفاده صحیح و نیز بار فرهنگی و معنایی تلاش شود تا استفاده از «اقتصاد خانواده» به جای «اقتصاد خانوار»



در فضای پژوهش‌های اقتصادی به کار رود یا حداقل با توجه به تفاوت مفهومی مهم و موجود، واژگان به دقت انتخاب و گزینش شوند.

- در فصل اول در زیرفصل «۲-۱-۱-» تحت عنوان «انتخاب واحد در اقتصاد خانواده» و زیربخش «۲-۱-۲-» تحت عنوان «انتخاب جمعی در اقتصاد خانواده»، باید اشاره شود که کلیدواژه‌های رایج در ادبیات اقتصاد خانوار عبارت است از «الگوی واحد» (unitary model) و «الگوی جمعی» (collective model) که در ذیل آن نحوه تصمیم‌گیری (انتخاب) زوجین و اعضای خانوار به منظور تخصیص درآمد و زمان مورد بحث قرار می‌گیرد.

- در پاورقی صفحه ۶۳ احتمالاً منظور از آوردن واژه «pooled» «pooled income» بوده است که در متن باید به «درآمدهای تجمیع شده» ترجمه شود.

- در فصل اول در بند «۲-۳» با عنوان «تبادل در اقتصاد خانواده» در صفحه ۷۱، مقصود از کلمه «نگاه نهایی‌گرایانه» در پاراگراف اول به نظر می‌رسد ترجمه کلیدواژه آشنای «حداکثرسازی مطلوبیت اقتصادی» باشد.

## ۵. نتیجه‌گیری

برای چنین مکتوباتی، ذات نوظهور بودن به معنای وجود برخی چالش‌های علمی و در بعضی موارد دست‌رسی نداشتن به تمامی اهداف در پژوهش است. نکات اشاره‌شده در نقد این اثر، ضمن هم‌دلی و هم‌فکری با نویسندگان محترم به منزله هم‌یاری در ارتقای این گام اولیه و شجاعانه، دلیلی بر اهمیت موضوعی اثر است. صرف نظر از محدود بودن اشکالات ویرایشی، نگارشی، و جنبه‌های شکلی اثر که براننده یک نشر دانشگاهی است، فقدان توجه به پیشینه مطالعاتی و ادبیات نظری «اقتصاد خانواده» اساسی‌ترین محور نقد محتوایی این اثر است. فقدان مهارت لازم و تسلط کامل به ادبیات نظری موضوع خلأ طبقه‌بندی ساختارمند در فصول و زیربخش‌ها را موجب شده است. از دیگر موارد قابل توجه، عدم دقت نظر مؤلفان محترم در گزینش مخاطبان اصلی کتاب است. انتخاب مخاطبان اصلی براساس توجه به میزان آگاهی با مؤلفه‌های اولیه اقتصادی از مواردی است که در صورت توجه می‌توانست بر غنای علمی اثر بیفزاید و از سردرگمی مخاطبان غیرتخصصی در هم‌راهی با مضامین جلوگیری کند. از آن‌جاکه در این مقاله یکی از اهداف بررسی این اثر، ارزیابی صلاحیت کتاب برای جایگاه آموزشی آن در مطالعات بین‌رشته‌ای بوده است، به نظر می‌رسد کتاب حاضر تا دست‌رسی به این مطلوب فاصله دارد.

## پی‌نوشت‌ها

۱. برای آگاهی بیش‌تر، بنگرید به Grossbard 2015: 224-227.
۲. توجه به آغاز مباحث در «اقتصاد خانوار» با ورود به عرصه ازدواج و طلاق در کتب مرجعی در این زمینه هم‌چون کتاب *Economics of the Family* نوشته برونینگ و دیگران (Browning et al. 2014) قابل مشاهده است.
۳. برای توضیح بیش‌تر، بنگرید به Becker 1973: 813-846.
۴. سوزانا گروسبارد (Shoshana Grossbard) انجمن اقتصاد خانوار (The Society of Economics of the Household (SEHO)) را در سال ۲۰۱۷ در دانشگاه سان‌دیگویی آمریکا تأسیس کرد. اولین نشست سالانه انجمن اقتصاد خانوار در سال ۲۰۱۷ در کالیفرنیا، دومین نشست در پاریس در سال ۲۰۱۸، و سومین نشست در لیسبون (پرتغال) در سال ۲۰۱۹ برگزار شد. در نهایت چهارمین نشست که قرار بود در ونیز (ایتالیا) در سال ۲۰۲۰ برگزار شود، به دلیل شیوع ویروس کرونا لغو شد. در نشست سال ۲۰۱۸ این انجمن، که در پاریس برگزار شد، این همایش میزبان جمعی از متفکران حوزه «اقتصاد خانوار» بود که سرحلقه‌های این حوزه توسط متخصصان امر پوشش داده شد. در این نشست چیاپوری (Chiappori) از دانشگاه کلمبیا با طرح بحث «اقتصاد خانوار: در کجا ایستاده‌ایم؟» در این زمینه بحث کرد که مؤلفه‌ها و سیر تکاملی این گرایش اقتصادی در آن ارائه به‌خوبی قابل تبیین است.
۵. بعد از انتقادهای صورت‌گرفته از نظریه ساموئلسون درباره وجود تابع ترجیحات واحد برای خانوار و چگونگی توجیه وجودی آن، گری بکر موارد مختلفی را در قالب رویکرد واحد (UM) طرح می‌کند. بکر، در مقاله خود در سال ۱۹۹۱، از ساموئلسون برای این‌که چرا در مورد چگونگی طرح تابع رفاه جمعی توضیح نداده، انتقاد می‌کند.
۶. برای توضیح بیش‌تر، بنگرید به: Wehmeier 2005: 552.

## کتاب‌نامه

- ابراهیم‌زاده، سیروس (۱۳۸۷)، ترجمه ثروت ملل، تهران: پیام.  
ارسطو (۱۳۴۹)، سیاست، ترجمه حمید عنایت، تهران: نیل.  
استاجی، علی و خلیل نوروزی (۱۳۹۶)، *اقتصاد خانوار*، تهران: دانشگاه امام صادق (ع).

- Becker, G. S. (1965), "A Theory of Allocation of Time", *Economic Journal*, vol. 75.  
Becker, G. S. (1973), "A Theory of Marriage: Part I", *Journal of Political Economy*, vol. 81.  
Becker, G. S. (1974), "A Theory of Social Interactions", *Journal of Political Economy*, vol. 82.

- Biddle, J. and D. Hamermesh (2020), "Income, Wages and Household Production Theory", *Economics Letters*, vol. 192.
- Browning, M., P. Chiappori and Yoram Weiss (2014), *Economics of the Family*, Cambridge: Cambridge University Press.
- Cantillon, R. (1730), *Essay on the Nature of Trade in General*, Henry Higgs (ed. And trans.), London: Frank Cass and Co. LTD.
- Chiappori, P. A. (1988), "Rational Household Labor Supply", *Econometrica*, vol. 56.
- Chiappori, P. A. and M. Mazzocco (2018), "Static and Intertemporal Household Decisions", *Journal of Economic Literature*, vol. 55, no. 3.
- Chiappori, P., B. Fortin and Lacroix Guy (2002), "Marriage Market, Divorce Legislation, and Household Labor Supply", *Journal of Political Economy*, vol. 110.
- Greenwood, J. (2019), *Evolving Households: The Imprint Of Technology On Life*, Cambridge, MA: The MIT Press.
- Grossbard, S. (2010), "Independent Individual Decision-Makers in Household Models and the New Home Economics", in: *IZA Discussion Paper*, San Diego State University, no. 5138: 6.
- Grossbard, S. (2015), "Household Economics", in: *International Encyclopedia of the Social and Behavioral Sciences*, James D. Wright (ed.), Oxford: Elsevier.
- Heckman, J. (2015), "Gary Becker: Model Economic Scientist", *American Economic Review*, vol. 105, no. 5.
- Heckman, J., L. P. Lazear and K. M. Murphy (2018), "Gary Becker Remembered", *Journal of Political Economy*, vol. 126, no. 1.
- Lundberg, S. and R. A. Pollak (1996), "Bargaining and Distribution in Marriage", *The Journal of Economic Perspectives*, vol. 10, no. 4.
- Malthus, T. R. (1798), *An Essay on the Principle of Population*, Donald Winch (ed.), Cambridge: Cambridge Texts in the History of Political Thought.
- Pollak, R. A. and M. L. Wachter (1975), "The Relevance of the Household Production Function and Its Implications for the Allocation of Time", *The Journal of Political Economy*, vol. 83.
- Samuelson, P. A. (1956), "Social Indifference Curves", *The Quarterly Journal of Economics*, vol. 70, no. 1.
- Smith, A. (1776), *The Wealth of Nations*, Edwin Cannan (ed.), New York: The Modern Library.

